

تعامل با مخالفان در اندیشه سیاسی امام خمینی(ره)

دکتر محمد احسانی

استادیار و عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه
mohammadehsanni@gmail.com

چکیده

نظر به اهمیت تعامل سازنده با مخالفان و ضرورت رشد و پرورش آن در جامعه و به‌ویژه در نسل جوان و سیاست‌مداران، این موضوع براساس اندیشه سیاسی و سیره عملی امام خمینی(ره) در این مقاله بررسی شده است. تعامل با مخالفان به شیوه‌های مختلف قابل انجام است و آنچه در این تحقیق مورد واکاوی قرار گرفته، تعامل عملی در اندیشه سیاسی امام خمینی(ره) است که در برخورد با گروه‌های مخالف از ایشان ظاهر شده است. چه اینکه الگوگیری از سیره عملی و کاربست اندیشه سیاسی امام(ره) در تعاملات سیاسی- اجتماعی با مخالفان دارای اهمیت ویژه است که ایشان همواره براساس شرایط موجود مناسب‌ترین شیوه را برگزیده‌اند. این موضوع با مطالعات کتابخانه‌ای و استفاده از روش تحلیل و توصیف داده‌های به دست آمده از آیات، روایات و مخصوصاً آثار امام خمینی(ره) به منظور دستیابی به الگوی تعامل امام راحل(ره) با گروه‌های مخالف به انجام رسیده است. پس از بیان مقدمات و کلیات تحقیق، اصول تعامل با مخالفان در اندیشه سیاسی امام خمینی(ره) از آثار ایشان استخراج شده است. این اصول در تعامل با همه مخالفان در اندیشه امام(ره) به کار رفته و در عمل به آن متعهد بوده است. مخالفان به چند گروه مخالفان سیاسی، مخالفان دینی و مذهبی تقسیم شده که امام خمینی(ره) در طول حیات سیاسی- اجتماعی با آنها مواجه بوده است. طبیعی است که این گروه‌ها به لحاظ اندیشه و عملکرد یکسان نبوده و نیستند، بلکه هر کدام حداقل به دو دسته

میان‌ه‌رو و تندرو تقسیم می‌شود که تعامل با این دو طیف در اندیشه امام خمینی (ره) متفاوت است. مخالفان سیاسی شامل گروه‌های داخل و خارج کشور است که برخورد امام (ره) با میان‌ه‌روها و افراطیون یکسان نبوده است. همچنین تعامل امام (ره) با اهل سنت معتدل و افراطی مانند وهابی و نیز با جبهه استکبار و غیراستکبار در سطح جهان تفاوت داشته است. این تفاوت تعامل با گروه‌های یادشده، مبتنی بر آموزه‌های قرآن و سیره معصومین (ع) بوده که اساس اندیشه سیاسی و سیره عملی امام خمینی (ره) را تشکیل داده‌اند. چه اینکه افکار و رفتار امام (ره) برخاسته از قرآن و حدیث و سیره پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) بوده و از آغاز تا پایان تفسیر کامل از اسلام ناب محمدی (ص) را به جهان ارائه داده است.

واژگان کلیدی: امام خمینی (ره)، تعامل، مخالفان، اندیشه سیاسی، مخالفان میان‌ه‌رو و تندرو

مقدمه

امام خمینی (ره) هم به عنوان ارائه دهنده نظریه سیاسی اسلام ناب محمدی (ص) و هم در مقام اجرای سیاست‌های اسلام و احیای عملی دیدگاه قرآن و سنت نبوی، جایگاه خاصی در جهان معاصر دارد و همه به شخصیت علمی و عملی ایشان احترام قائلند. دانشمندان مسلمان و غیرمسلمان در مقابل شخصیت و عملکرد سیاسی و انقلابی امام (ره) تعظیم کرده، از میراث فرهنگی، دینی و اجتماعی ایشان به خوبی یاد می‌کنند. چه اینکه اندیشه سیاسی و رفتار اخلاقی و اجتماعی آن بزرگوار در همه ابعاد نقشه راه مسلمانان است. جامعیت شخصیت امام (ره) و اندیشه‌های عمیق ایشان در همه عرصه‌های زندگی و به‌ویژه حیات سیاسی و عمل کرد مبارزاتی ایشان عامل نجات جوامع اسلامی از سلطه استکبار جهانی و موجب رسیدن به استقلال و آزادی معنوی است. سیره امام خمینی (ره) در بهبود روابط انسانی و تعاملات اجتماعی مسلمانان داخل و خارج بسیار مؤثر و کارساز است؛ به‌ویژه در جوامع مختلط از ادیان و مذاهب مختلف که امروزه با چالش‌های جدی مواجه است و ناسازگاری‌های متعددی در اغلب جوامع اسلامی وجود دارند. این جوامع در حیات سیاسی - اجتماعی نیاز به تعامل مثبت و روابط مسالمت آمیز با یکدیگر دارند. اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) ابعاد مختلف دارد و همه عرصه‌های زندگی و به‌خصوص روابط با مخالفان را فرامی‌گیرد. در این موضوع آثار متعددی نگاشته شده و برخی کسانی که

در حوزه سیاست و مسائل اجتماعی تخصص داشته در این زمینه پژوهش‌هایی را انجام داده‌اند. بدیهی است در این مقاله فرصت پرداختن به تمام زوایای اندیشه سیاسی امام (ره) امکان‌پذیر نیست؛ تنها در حوزه تعامل با مخالفان به صورت اختصار مطالبی ارائه می‌گردد و بحث تفصیلی به فرصت دیگر واگذار و مخاطبان به منابع مبسوط ارجاع داده می‌شود.

مشکلات فراوانی امروزه در جوامع اسلامی وجود دارند که اغلب ناشی از ناسازگاری، تعصب، تنگ نظری، حسادت و مانند آن است. این صفات ناپسند در میان گروه‌ها و اشخاص سیاسی- اجتماعی به روشنی قابل مشاهده است. وجود چنین صفاتی انسان را از راه حق و صراط مستقیم جدا کرده به بیراهه سوق می‌دهند. حتی در جامعه اسلامی متشکل از پیروان مذهب واحد اختلافات، بدرفتاری‌ها و ناسازگاری‌های زیادی مشاهده می‌شود که موجب نابسامانی‌های زیادی در جامعه شده است. مسئله اصلی تحقیق حاضر را همین مشکلات موجود در جامعه تشکیل می‌دهد که اغلب از تعاملات ناسالم نشأت می‌گیرند و عامل بروز دغدغه‌هایی در این زمینه شده است. چرا که مهم‌ترین مانع پیشرفت مادی و معنوی جامعه و عامل پراکندگی، تفرقه و ضعف سیاسی، صفت‌های نامطلوب اخلاقی و اجتماعی می‌باشند که دامن‌گیر بسیاری از مسلمانان و سیاستمداران شده‌اند. تعامل مثبت با مخالفان سیاسی در جامعه دینی مناسب‌ترین روش در حل مشکلات اجتماعی و رشد مادی و معنوی جامعه است که در اندیشه سیاسی و سیره عملی امام خمینی (ره) جایگاه ویژه دارد.

امام خمینی (ره) با وجود مخالفان سیاسی، دینی و مذهبی فراوان، توانست با همه گروه‌های مخالف تعامل مناسب برقرار کرده، کاروان انقلاب را به سرمنزل مقصد برساند. تعامل با هر گروه مخالف براساس شرایط خاص اجتماعی و خصوصیات زمان و مکان به منظور نیل به اهداف عالی نظام اسلامی در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)، مناسب‌ترین الگوی عملی در تعاملات سیاسی- اجتماعی سیاستمداران در جوامع اسلامی است. از این رو، تبیین اندیشه سیاسی امام (ره) و الگوگیری از تعامل ایشان با مخالفان، نیاز روز جامعه و تأسی به آن بر همه مسلمانان و به‌خصوص سیاستمداران لازم است.

جامعه انسانی متشکل از نژادها، اقوام، ادیان، مذاهب و گروه‌های مختلف است و براین اساس افکار، اندیشه‌ها و گرایش‌های گوناگون سیاسی و حزبی در میان آنها وجود دارند. افزون بر این،

اختلاف جغرافیای و زیست- محیطی نیز عامل پیدایش بسیاری از اندیشه‌های ناسازگار در جوامع اسلامی شده است. این تفاوت‌ها از عوامل اساسی بروز رفتارهای متخالف و گاه متضاد در جامعه می‌باشند. اگر نگاهی گذرا به تاریخ اقوام و ملل جهان داشته باشیم، خواهیم دید که بسیاری از اختلاف‌ها، جنگ‌ها و ناسازگاری‌های اجتماعی ریشه در حزب و گروه سیاسی، نژاد، مذهب و جغرافیا دارند. این عناصر در شکل‌گیری افکار ناهماهنگ و به دنبال آن رفتارهای ناسازگار بسیار مؤثرند. نزاع‌های به‌وجود آمده در جامعه و حتی جنگ‌های ویرانگر بین کشورها عمدتاً به این عوامل برمی‌گردند.

تعامل مناسب و همزیستی مسالمت‌آمیز با مخالفان در شرایط امروز از اهمیت ویژه برخوردار است. آنچه اهمیت بیشتر دارد نوع تعامل با گروه‌های مخالف، اعم از مسلمان و غیر مسلمان است که در رشد مادی و معنوی جامعه تأثیر بسزا دارد. بر این اساس اهمیت و ضرورت پژوهش حاضر به منظور دستیابی به روش مناسب تعامل با مخالفان مبتنی بر اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) در شرایط امروز جامعه، ضرورت انکار ناپذیر دارد و از اولویت پژوهشی برخوردار است. چه اینکه امام راحل (ره) به عنوان شخصیت مصلح و خیرخواه برای همه مسلمانان و گروه‌های سیاسی قابل قبول و مورد پذیرش است. به‌ویژه اینکه آشنایی با سیره عملی آن بزرگوار بر این مقبولیت و باورمندی به شایستگی ایشان برای الگو بودن، افزوده است.

سؤال‌های مورد بررسی در این مقاله عبارتند از: تعامل با مخالفان در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) چگونه است؟ اصول تعامل با مخالفان در اندیشه امام خمینی (ره) کدامند؟ براساس اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) چگونه می‌توان با مخالفان سیاسی تعامل برقرار کرد؟ از دیدگاه امام خمینی (ره) چگونه می‌توان با متحجران تعامل برقرار کرد؟ تعامل با مخالفان مذهبی از منظر امام خمینی (ره) چگونه است؟ تعامل امام (ره) با گروهک‌های مخالف چگونه بوده است؟ هدف تحقیق، بررسی چگونگی تعامل با مخالفان در اندیشه سیاسی امام راحل (ره) است که در ارتباط با مخالفان سیاسی، مذهبی و گروهک‌های منافق مورد پژوهش قرار می‌گیرد. برای هر کدام از گروه‌های یادشده راهنمای عمل و نقشه راهی از اندیشه و سیره عملی امام (ره) برای اصلاح برخورد با مخالفان ارائه می‌شود. در نهایت زمینه‌سازی برای ایجاد وحدت و تقویت همزیستی مسالمت‌آمیز میان گروه‌های سیاسی و پیروان ادیان و مذاهب در جوامع مختلف، هدف غیر مستقیم پژوهش است. این هدف پس از دستیابی به نتایج تحقیق و در مرحله به

کارگیری و استفاده از روش تعامل امام(ره)، قابل تحقق است.

پیشینه تحقیق

گذشته از منابع عام در زمینه انقلاب اسلامی، امام خمینی(ره) و تحولات سه دهه اخیر جمهوری اسلامی ایران، آثار مکتوب امام(ره)، سخنرانی‌ها، نامه‌ها و سیره عملی ایشان با مخالفان است که مورد استناد قرار می‌گیرند. به چند نمونه از کارهای انجام شده که مرتبط با تحقیق حاضر هستند، به عنوان پیشینه پژوهش اشاره و وجه تمایز آنها با موضوع توضیح داده می‌شود:

- اندیشه سیاسی امام خمینی(ره)(جمشیدی، ۱۳۸۸): در چندین فصل تدوین شده و به مطالب ذیل پرداخته است: مبانی اندیشه سیاسی، سیاست و دین، مفاهیم بنیادین، مبارزات، جامعه و دولت، نظریه ولایت فقیه، و مردم و حکومت.

- الگوی جهان‌گرایی اسلامی در اندیشه سیاسی امام خمینی (محمود، ۱۳۹۰): این اثر پس از بحث کلیات به دسته بندی اندیشه‌های امام(ره)، جهان‌گرایی اسلامی ارکان الگوی جهان‌گرایی امام خمینی(ره) پرداخته است.

- اندیشه سیاسی امام خمینی(ره) (معلم، ۱۳۹۴): این کتاب به مفاهیم و مبانی اندیشه سیاسی اشاره کرده و سپس به تحلیل داده‌ها و نتیجه‌گیری پرداخته است.

- الگوی رهبری امام خمینی(ره) (شفیعی، ۱۳۹۱): نویسنده در این اثر پس از کلیات به مطالعات رهبری، الگوی رهبری امام(ره) و الگوی رهبری اسلامی با ریز موضوعات مربوط به آنها اشاره کرده است.

- اندیشه سیاسی و اجتماعی امام خمینی(ره) (مجمع آموزش عالی امام خمینی، ۱۳۹۰): در این مجموعه مقالات به موضوعات مختلف در زمینه اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی امام(ره) توجه شده است.

- اندیشه سیاسی امام خمینی(ره) (حسینی، ۱۳۹۲): این کتاب به خاستگاه جدید سیاست و حکومت، تحول، فلسفه نظری و عملی، روش‌شناسی و عرفان و سیاست در اندیشه امام(ره) اشاره کرده است.

در این آثار به موضوعات مختلف در ارتباط با افکار سیاسی، رهبری و همگرایی امام خمینی(ره) توجه شده، ولی در خصوص تعامل با مخالفان مطلبی نیامده است. با نظر به اهمیت تعامل با مخالفان در شرایط امروز و نقش مثبت اندیشه سیاسی و سیره عملی امام(ره) در این زمینه،

بررسی این موضوع ضروری است. از این رو، تحقیق حاضر به واکاوی تعامل امام خمینی (ره) با مخالفان در گروه‌های مورد نظر می‌پردازد تا الگویی باشد برای عموم مسلمانان و به‌ویژه سیاستمداران در جوامع مسلمان و جمهوری اسلامی که با تبعیت از آن در تقویت وحدت و همبستگی تلاش نمایند.

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های کیفی است که با متون، مفاهیم، تعاریف، واژه‌ها، معانی و ویژگی‌های رفتاری حضرت امام (ره) سروکار دارد. تحقیق در تبیین تعامل با مخالفان در اندیشه امام (ره) از روش اکتشافی با شیوه توصیف و تحلیل داده‌های پژوهشی بهره می‌گیرد. روشی که به محقق کمک می‌کند تا با استفاده از آن بتواند شناخت نظری و علمی دقیق درباره موضوع تحقیق پیدا کرده، اطلاعات مورد نیاز را از منابع مربوطه گردآوری و به تجزیه و تحلیل داده‌ها بپردازد. بنابراین، دستیابی به شیوه تعامل حضرت امام (ره) با روش مطالعه اکتشافی و تجزیه و تحلیل داده‌ها صورت می‌گیرد. مطالعه آیات و روایات و به‌ویژه آثار امام خمینی (ره) و تحقیقاتی که در این زمینه انجام شده‌اند، به پژوهشگر کمک می‌کند تا با روش برخورد امام (ره) با مخالفان آشنا و به مخاطبان معرفی کند. بدین ترتیب روش تحقیق در این مقاله روش اکتشافی با استفاده از تحلیل و توصیف اطلاعات به دست آمده است که از طریق مطالعه آثار قلمی و سیره عملی ایشان به انجام می‌رسد.

مفهوم‌شناسی

مفاهیم اصلی به کار رفته در موضوع تحقیق عبارتند از: تعامل، مخالف و اندیشه سیاسی که برای روشن شدن موضوع نیاز به تعریف دارند. با توجه به گستردگی معنایی و ابهام در مفهوم این واژگان، تعریف و بیان مقصود از آنها در آغاز بحث ضرورت دارد. چه اینکه بدون شناخت معنای مورد نظر از کلمات کلیدی، نمی‌توان مسیر درستی را در پژوهش انتخاب کرد و به هدف مورد نظر و نتایج مطلوب دست یافت. از این رو، در این قسمت از مقاله به شناسایی و تعریف واژگان اساسی به کار رفته در این تحقیق اشاره می‌شود.

تعامل

واژه «تعامل» از ریشه «عَمَلَ» در منابع واژه‌شناسی به معنای کار، کردار، رفتار، (ابن فارس، ۱۴۰۴/واژه عمل) سروکار داشتن، واکنش نشان دادن، داد و ستد کردن (دهخدا: واژه

عمل) و ارتباط متقابل میان دو یا چند نفر برقرار نمودن، به کار رفته است. این کلمه از باب تفاعل به رفتار دو جانبه بین دو فرد یا دو گروه به کار می‌رود (زبیدی، بی تا، ج ۱۵، ص ۵۲۴). زمانی سخن از تعامل میان افراد به میان می‌آید به این معناست که رفتار افراد در همدیگر تأثیر دارد و عملی که شخص انجام می‌دهد متأثر از عمل فرد مقابل است. برخی لغت‌شناسان بر این باورند که «عمل» به کاری اطلاق می‌شود که مبتنی بر عقل و فکر باشد و از روی علم و آگاهی صادر شود (راغب، ص ۵۸۷). این معنی اقتضا می‌کند که تعامل با مخالفان نیز باید براساس فکر و اندیشه و دانش لازم به صورت منظم و برنامه‌ریزی شده انجام گیرد.

تعامل امروزه توسعه معنایی پیدا کرده و در ارتباطات سیاسی، اجتماعی، علمی، فرهنگی و اخلاقی به کار می‌رود (رجبی، ۱۳۸۸، ص ۱۷). منظور از تعامل در این جا به رفتار دو سوپه‌ای اطلاق می‌شود که بر ایجاد همزیستی مسالمت‌آمیز با مخالفان تکیه دارد. چنین رفتاری در اندیشه سیاسی و سیره عملی امام (ره) جایگاه خاص دارد و پیروی از آن زمینه‌ساز هماهنگی و انسجام جامعه در برابر دشمن مشترک است. تعامل دارای سطوح گوناگون است؛ گاه همزیستی مسالمت‌آمیز با مخالفان معتدل و گاه برخورد صریح و قاطع یا گروه‌های افراطی، تعامل مفید شمرده می‌شود. در برخی موارد نیاز به تعامل مثبت با مخالفان است و در مواردی شدت برخورد مطلوب خواهد بود. نوع تعامل با مخالفان براساس شرایط و ویژگی‌های مخاطبین و با توجه به اندیشه سیاسی امام (ره) که برآمده از سیره پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) است، تعیین می‌شود.

مخالفان

کلمه «مخالف» کاربرد وسیع در مباحث علمی و تعاملات سیاسی-اجتماعی دارد. این واژه در هر دانش، اعم از دانش‌های دینی و غیر دینی، به‌عنوان یک واژه پرکاربرد مورد استفاده قرار می‌گیرد. چون در همه رشته‌های علمی و مسائل سیاسی-اجتماعی معمولاً موافق و مخالف وجود دارد و در موضوع مورد بحث به ابراز نظر می‌پردازند. اساسی‌ترین محور مخالفت‌ها، موضوعات فکری و سیاسی-اجتماعی است که منشأ پیدایش دیدگاه‌های متضاد و متعارض می‌شود. از این رو، مخالفان دینی و مذهبی از مهم‌ترین گروه‌های مخالف پیامبران (ع) بوده که در طول تاریخ وجود داشته و با انبیاء و اولیای الهی همواره به مخالفت و دشمنی برخاسته‌اند. همچنین کسانی که با پیامبر اسلام (ص) و اهل بیت (ع) آن حضرت مخالفت می‌کردند مانند یهود و نصارا، اختلاف عقیدتی با آنان داشتند (یزدی، ۱۳۹۳، ص ۲۳). با توجه به این امر، کلمه

مخالف در این تحقیق به کسانی اطلاق می‌شود که به لحاظ سیاسی، دینی و مذهبی با امام(ره) مخالف بودند.

منظور از مخالفان در این مقاله سه گروه هستند که عبارتند از مخالفان سیاسی، مخالفان دینی و مخالفان مذهبی و هر کدام به گروه‌های فرعی تقسیم می‌شود. این گروه‌ها در حیات سیاسی - اجتماعی امام(ره) فعالیت داشتند و حضرت امام(ره) با هر کدام تعامل خاصی داشت. تعامل امام(ره) با مخالفان سیاسی داخلی براساس رحمت و عطوفت اسلامی بود و سعی می‌کرد آنها را به اسلام و انقلاب جذب کند. همچنین در برخورد با مخالفان بین‌المللی در سطح جهان روحیه همگرایی امام(ره) بر جنبه واگرایی ایشان غلبه داشت.

اندیشه سیاسی

اندیشه به معنای فکر، تأمل و باور(معین: واژه اندیشه) از کلمات پُر کاربرد در محاورات عمومی است که شیئی مضاف الیه نوع و خصوصیت آن را معین می‌کند. اندیشه حوزه‌های گوناگون دارد و اندیشه سیاسی یکی از مهم‌ترین آنهاست. اندیشه سیاسی مجموعه‌ای از آرا و عقایدی است که به شیوه عقلانی، منطقی و مستدل درباره چگونگی سازمان دادن به زندگی سیاسی مطرح می‌گردد که می‌تواند توصیفی یا تبیینی باشد. اندیشمند سیاسی کسی است که بتواند درباره آرا و عقاید خود به شیوه عقلانی و منطقی استدلال کند و به تبیین اصول اندیشه خود بپردازد. (بشیریه، ۱۳۷۶، ص. ۱۷) منظور از اندیشه سیاسی، افکار و باورها در زمینه سیاست داخلی و خارجی و اداره جامعه در سطح کلان است که رهبران و سیاستمداران جهان در صدد اجرای آن در عرصه اجتماع هستند.

اندیشه سیاسی امام خمینی(ره)

اندیشه سیاسی امام خمینی(ره)، جزئی از اندیشه کلان ایشان و متأثر از ابعاد مختلف اندیشه‌های وی در هستی‌شناسی و انسان‌شناسی است. از آنجا که امام(ره) شخصیتی چند بعدی دارد و آثار متعددی در حوزه‌های مختلف همچون عرفان، فقه، فلسفه، کلام و سیاست از ایشان برجای مانده است؛ از این‌رو، اندیشه سیاسی امام(ره) که بیانگر اندیشه سیاسی اسلام ناب در عصر حاضر است، گستره وسیع دارد و همه عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی را شامل می‌شود. به عبارت دیگر اندیشه سیاسی امام خمینی(ره) تمام مفاهیمی که در حوزه حکومت و مدیریت جامعه کاربرد دارد را در بر می‌گیرد. اصل ولایت فقیه در نظام سیاسی و

حاکمیت آن بر سیاست‌گزاری و اداره جامعه اساس اندیشه سیاسی امام (ره) را تشکیل می‌دهد. در این نوشتار اندیشه سیاسی امام (ره) بر محور اصل ولایت فقیه در تعامل با مخالفان مورد نظر است و پیرامون آن بحث می‌شود. به این معنا که براساس اندیشه سیاسی امام (ره) و دیدگاه ولایت فقیه چگونه می‌توان با گروه‌های مخالف در سه حوزه مخالفان سیاسی، دینی و مذهبی تعامل برقرار کرد؟

اصول تعامل در اندیشه سیاسی امام (ره)

«اصل» در لغت به معنای ریشه، بُن، منبع، منشأ، مصدر، اساس، بنیان، شالوده و امثال آن آمده است. (دهخدا: واژه اصل) برخی از واژه‌شناسان قرآن نوشته‌اند: معنای حقیقی این ماده هر چیزی است که مبنا و اساس چیزی دیگر قرار گیرد؛ اعم از این که در جمادات، گیاهان، حیوانات، یا معقولات و علوم مختلف باشد. (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱، ص ۴۰۱) اصل هر چیز آن است که وجود آن چیز بدان متکی باشد، مانند پدر نسبت به فرزند. بر این اساس، معنای لغوی اصل گستره وسیع دارد و همه امور مادی و معنوی را که اصل و فرعی در آن متصور باشد، شامل می‌شود. در قرآن کریم نیز اصل به همین معنا به کار رفته و در مورد تشبیه «کلمه طیبه» به درخت طیب و پاک آمده است: «أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ (ابراهیم، ۲۴)؛ آیا ندیدی چگونه خداوند «کلمه طیبه» (و گفتار پاکیزه) را به درخت پاکیزه‌ای تشبیه کرده که ریشه آن (در زمین) ثابت، و شاخه آن در آسمان است؟!» اصل در اصطلاح عبارت است از: قواعد و معیارهای کلی به دست آمده از مبانی هر علم که راه و روش اجرای برنامه‌های طراحی شده را معین می‌کنند. مقصود از اصل در این مقاله قاعده و معیار کلی است که یک سلسله بایدها و نبایدهای حاکم بر روند تعامل با مخالفان را در بر دارد این بایدها و نبایدها در فرایند برقراری روابط اجتماعی با گروه‌های مخالف می‌بایست رعایت شود. اصول تعامل به معیارهای عامی در اندیشه سیاسی امام (ره) اشاره دارد که در برخورد با مخالفان لازم الرعایه است و امام راحل (ره) در ارتباط با گروه‌های مخالف، همواره به آن اصول متعهد بوده‌اند. در این بخش از نوشتار به مهم‌ترین اصول تعامل با مخالفان در اندیشه سیاسی و سیره عملی امام خمینی (ره) اشاره می‌شود.

تعهد به اخلاق اسلامی

نخستین اصل در تعامل با مخالفان در اندیشه سیاسی امام راحل (ره) رعایت اخلاق اسلامی

است که در عمل همواره به آن متعهد بود و در حیات اجتماعی خویش کاملاً رعایت می‌کرد. حضرت امام (ره) به لحاظ اخلاقی با همه گروه‌های مخالف برخورد مناسب داشت و مخالفان رحمت و عطفوت اسلامی را در سیمای ایشان به‌وضوح مشاهده می‌کردند. امام (ره) هنگام ملاقات با مخالفان چهره‌ی متبسم داشت و با گشاده رویی با آنها برخورد می‌کرد. اصل اخلاق محوری در حقیقت برخاسته از قرآن کریم و اخلاق رسول الله (ص) است که خداوند در توصیف آن فرمود: «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ»؛ (قلم، ۴) به درستی تو دارای اخلاق عظیم و بزرگی هستی. پیامبر اکرم (ص) در تبیین اهداف بعثت فرمود: «بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ»؛ (شهر، ۱۳۹۱، ص ۳۴) من از طرف خداوند برانگیخته شدم تا مکارم اخلاق را تتمیم و تکمیل نمایم. همان گونه که رسول الله (ص) تصریح فرمود، مهم ترین هدف بعثت ترویج و تکمیل اخلاق کریمانه است که قبل از هر کس شخص پیامبر (ص) به آن عمل کرد. نمونه‌ای بارز اخلاق رسول الله (ص) در اعلان عفو عمومی آن حضرت در فتح مکه آشکار شد و همه مخالفان به آن اعتراف کردند. حتی خانه ابوسفیان را مکان امن قرار داد و هر کس وارد آن می‌شد، در امنیت بود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۲۴، ص ۳۷۷).

بعد از رسول خدا (ص)، امامان معصوم (ع) و سپس رهبران راستین اسلام مانند امام خمینی (ره) در گفتار و رفتار به ترویج اخلاق اسلامی در جامعه پرداختند. امام خمینی (ره) در همه گفتارها و سخنرانیهای خود به رعایت اخلاق در جامعه سخن گفته است. ایشان در توصیه به حوزویان فرمود: «حوزه‌های علمیه همزمان با فراگرفتن مسائل علمی، به تعلیم و تعلم مسائل اخلاقی و علوم معنوی نیازمند است؛ راهنمای اخلاق و مربی قوای روحانی و مجالس پند و موعظه لازم دارد؛ و برنامه‌های اخلاقی و اصلاحی، کلاس تربیت و تهذیب، آموختن معارف الهیه، که مقصد اصلی بعثت انبیا (ع) می‌باشد، باید در حوزه‌ها رایج و رسمی باشد» (امام خمینی (ره)، بی‌تا، ۱۱). در این فراز از سخنان امام (ره) تأکید بر اخلاق و فراگیری ارزش‌های اسلامی به‌خوبی قابل فهم است؛ این امر به‌ویژه نسل جوان و طلاب حوزه‌ها به عنوان مربیان آینده جامعه بیش از دیگران حائز اهمیت است. این تأکید برخاسته از نیاز ذاتی انسان به اخلاق است که امام (ره) با آگاهی کامل به ضرورت آن اشاره کرده است. بنابراین، تعهد به اخلاق از اصول مهم در تعامل امام (ره) با موافقان و مخالفان بوده است.

کرامت انسانی

کرامت به معنای شرافت، اصالت، بزرگ منشی و نیک سیرتی است (القیوم، ۱۳۸۱، ص ۶۸۶) که حاصل بهره‌مندی فطری و ذاتی انسان می‌باشد. خداوند آدمی را از بهره‌مندی‌های درونی ویژه‌ای، چون عقل و اراده و اختیار برخوردار ساخته که موجب کرامت او شده است. این کرامت به اصل انسان بودن انسان باز می‌گردد و اختصاص به گروه معینی از آدمیان ندارد. از این‌رو، آدمی همه از یک گوهرند و همه شریفند و از این حیث هیچ کسی بر دیگری فضیلتی ندارد (باقری، ۱۳۸۴، ص ۳۸). معلوم است، چنین کرامتی که مشترک میان همه انسان‌ها است به ذات و فطرت آنها برمی‌گردد، نه به عوامل بیرونی. چون در ذات انسان امتیازات و استعداد‌های فراوانی است که موجب کرامت و شرافت او شده‌اند. این کرامت را خداوند هم در قرآن تأیید فرموده است: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (اسراء، ۷۰) و به راستی فرزندان آدم را بزرگوار داشتیم.

کرامت، به مثابه یک اصل مهم در تربیت اسلامی مورد توجه قرار گرفته و هیچ‌گاه در متون دینی نادیده انگاشته نشده است. اگر به قرآن کریم به عنوان مهم‌ترین منبع تربیتی اسلام بنگریم، خواهیم دید که این اصل در تمامی آیات قرآن رعایت شده و همه جا سخن از تکریم و شخصیت دادن به انسان رفته است. حتی در مورد دشمنان خدا و پیامبر (ص) نیز تعبیراتی به کار رفته که حاکی از اکرام و احترام به شخصیت آنها است. عباراتی مانند «يَا أَيُّهَا النَّاسُ» (بقره، ۱۹۸)، «يَا بَنِي آدَمَ» (اعراف، ۳۵) «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا» (زمر، ۵۳) که شامل مؤمن و کافر، پرهیزگار و معصیت‌کار می‌شوند، توأم با تکریم شخصیت آنان است. خداوند فرد گناه‌کار را بنده خود خوانده و مقام عبودیت را که بالاترین مقام برای بشر است و به آسانی به دست نمی‌آید به همه انسانها نسبت داده و از گناه کنایه به اسراف تعبیر کرده است.

امام خمینی (ره) به عنوان یک مربی نمونه و مروج ارزش‌های دینی رعایت کرامت انسانی را به عنوان اصل مهم در روابط اجتماعی مدنظر داشت و همواره به آن متعهد بود. در این اصل موافق و مخالف تفاوت نداشتند و امام ره در برخورد با همه آنها کرامت را رعایت می‌کرد. چرا که پیامبر اسلام (ص) فرموده است: «لَا تَحْقِرَنَّ أَحَدًا مِنَ الْمُسْلِمِينَ فَإِنَّ صَغِيرَهُم عِنْدَ اللَّهِ كَبِيرٌ» (محمدی، ۱۳۸۰، ص ۳۴)؛ مبدا فردی از مسلمانان را کوچک شمرده، تحقیر نمایید، چرا که کوچک آنان هم نزد خدا بزرگ است. این روایت عام است همه مسلمانان را شامل است و

براین اساس حتی با مخالفان هم باید رفتار مناسب توأم با احترام و تکریم داشت.

دعوت و هدایت

دعوت و به دنبال آن تربیت و هدایت از اصول اساسی در سیره انبیا و امامان معصوم(ع) بوده که همه آنها به این اصل عمل می‌کردند. خداوند در توصیف شخصیت رسول الله(ص) می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَ سِرَاجًا مُنِيرًا» (احزاب، ۴۵-۴۶)؛ ای پیامبر! ما تو را گواه فرستادیم و بشارت‌دهنده و انذارکننده! و تو را دعوت‌کننده به سوی خدا به فرمان او قرار دادیم و چراغی روشنی‌بخش. «از آن جا که خطاب خداوند متوجه عنوان نبوت است، این آیه اختصاص به شخص رسول الله(ص) ندارد، بلکه شامل همه رهبران دینی است. براین اساس، دعوت الی الله و روشن‌گری وظیفه همه رهبران اسلامی است و امام(ره) به عنوان با نفوذترین رهبر دینی در عصر حاضر این وظیفه را عهده‌دار بود و در تمام عرصه‌های اجتماعی به آن عمل نمود.

دعوت به حق و پذیرش حقیقت از جمله برنامه‌های مهم امام(ره) در طول مبارزات و استقرار نظام جمهوری اسلامی بود که همه مردم، موافق و مخالف را به سوی خدا فرا می‌خواند. نامه امام(ره) به گورباچف، رئیس اتحاد جماهیر شوروی، نمونه‌ای از عمل ایشان به این اصل است که در برخورد با مخالفان انجام داده است. امام(ره) در این نامه خطاب به گورباچف فرمود: «جناب آقای گورباچف، باید به حقیقت رو آورد. مشکل اصلی کشور شما مسئله مالکیت و اقتصاد و آزادی نیست. مشکل شما عدم اعتقاد واقعی به خداست. همان مشکلی که غرب را هم به ابتذال و بن بست کشیده و یا خواهد کشید. مشکل اصلی شما مبارزه طولانی و بیهوده با خدا و مبدأ هستی و آفرینش است» (صحیفه امام، ج ۲۱، ص. ۲۲۱). اگر به این نامه سیاسی-الهی توجه شود، همه اصول تعامل در آن رعایت شده و امام(ره) با اکرام و دلسوزی رهبر کمونیست را به پذیرش اسلام و حقیقت دعوت کرده است.

اعتدال

از اصول مهم تعامل امام(ره) با مخالفان حفظ تعادل و میانه‌روی است که در همه تعاملات ایشان با گروه‌های مخالف به روشنی می‌توان درک کرد. اعتدال در مقابل افراط و تفریط به میانه‌روی در اندیشه و عمل اطلاق می‌شود و منظور از اصل اعتدال در این مقاله میانه‌روی در رفتارهای اجتماعی است. اعتدال و حد وسط میان افراط و تفریط جایگاه خاصی در اخلاق

اسلامی دارد و از دیر زمان در علم اخلاق مورد بحث عالمان بوده است. امام (ره) اعتدال‌گرایی در رفتار اجتماعی را باور داشت و در عمل به آن پایبند بود؛ هیچ‌گاه افراط و تفریط در رفتار امام (ره) وجود نداشت و با لینت و نرمی با مخالفان برخورد می‌کرد.

امام (ره) در تبیین «فریضه عاده» در حدیث ۲۴ از چهل حدیث می‌فرماید: «حسن خلق خروج از حد افراط و تفریط است؛ و هر یک از دو طرف افراط و تفریط مذموم، و «عدالت»، که حد وسط و «تعدیل» بین آنهاست، مستحسن است. مثلاً شجاعت، که یکی از اصول و ارکان اخلاق حسنه و ملکه فاضله است، عبارت است از حالت متوسطه و معتدله بین افراط، که از آن تعبیر شود به تهور- و آن عبارت است از نترسیدن در مواردی که ترس سزاوار است- و بین تفریط، که از آن تعبیر شود به جبن- و آن عبارت است از ترسیدن در مواردی که سزاوار ترس نیست» (امام خمینی (ره)، شرح چهل حدیث، ص. ۳۴۱).

امام (ره) در این بیان، معنای اعتدال را با ذکر مثال به خوبی روشن کرده و به حسن میانه روی و قبح افراط و تفریط به عنوان یک اصل عملی در تعاملات اجتماعی تصریح فرموده است. در جای دیگر می‌فرماید: «بنابراین، اعتنا به این امور و خدای نخواستہ خروج از اعتدال و عدالت الهی و صراط مستقیم، انحراف است و اجتناب از آن، وظیفه الهی است (صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۱۵۶). امام (ره) در یک نتیجه‌گیری کلی می‌فرماید: «بالجمله: برای انسان لازم است که عقل عملی داشته و قوا و آئینه طبیعت را تعدیل کند و آن را از افراط و تفریط به در آورد، و اگر تعدیل کرد، چنان می‌شود که گویا قوای طبیعی و شیطانی و حیوانی ندارد؛ زیرا وقتی متضادین تعادل کردند از خاصیت می‌افتند؛ مثل اینکه اگر آب سرد و گرم را به یک اندازه ممزوج کنند، حرارت و برودت تعدیل شده و ملایم می‌شود و گویا حرارت و برودت نیستند» (موسوی اردبیلی، ۱۳۸۱، ج ۳، ص. ۳۸۳).

اعتدال به این معنا از اصول تعامل در سیره امام خمینی (ره) بود و با دوست و دشمن براساس عدالت رفتار می‌کرد. در دوران سخت مبارزات زمان طاغوت و دوره پیروزی انحراف از اعتدال در برخورد امام (ره) با دیگران و حتی مخالفان مشاهده نشد و همواره براین اصل متعهد بود. امام (ره) در جنگ با دشمن بعثی با وجود تجاوز مکرر ارتش صدام بر مناطق مسکونی و حمله شیمیایی و مانند آن، اجازه مقابله به مثل در این موارد را نداد. بنابراین، اعتدال و میانه‌روی از اصول مهم در تعاملات امام (ره) است که آثار مثبت فراوانی نیز بر آن ترتب می‌یابد.

نفی سبیل

«نفی سبیل» به عنوان یک قاعده عملی در فقه سیاسی اسلام مطرح است و روابط خارجی جامعه اسلامی را در سطح بین‌الملل تنظیم می‌کند. قواعد فقه سیاسی دو دسته‌اند: برخی مربوط به درون امت اسلامی است که روابط داخلی جامعه را تنظیم می‌کنند و بعضی مربوط به بیرون امت اسلامی می‌باشند که روابط خارجی دولت اسلامی را تعیین می‌کنند. قاعده نفی سبیل از دسته دوم است و روابط جامعه اسلامی را با کشورهای جهان تبیین می‌کند. این قاعده ریشه در قرآن دارد و برگرفته از آیه ۱۴۱ سوره نسا است که می‌فرماید: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»؛ و خدا هرگز برای کافران راهی (برای تسلط) بر مؤمنان ننهاده است. امام ره در زمینه نفی سبیل و خروج جهان اسلام از سلطه استکبار بارها سخن گفته و بر آن تأکید کرده است. امام ره در تبیین آیه یادشده می‌فرماید: «هرگز خدای تبارک و تعالی سلطه‌ای برای غیر مسلم بر مسلم قرار نداده است. هرگز نباید همچو چیزی واقع بشود. یک تسلطی، یک راهی، حتی یک راه نباید پیدا بکند» (ایازی، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۱۹۹).

به نظر امام(ره) مفهوم آیه نفی سبیل مطلق است و همه راه‌های سلطه‌پذیری را نفی می‌کند. بر این اساس، جبهه استکبار از هیچ راهی نباید بر جوامع مسلمان سیطره پیدا کند؛ نه از نظر فکری و فرهنگی و نه از راه سیاسی و اقتصادی و نه از هیچ راه دیگر. مسلمانان موظفند راه‌های نفوذ دشمن و کفار را به صورت عام ببندند. به تصریح قرآن کریم مؤمنین تا زمانی که ایمان در وجود آنها رسوخ داشته و بر لوازم باور قلبی متعهد باشند، کفار بر آنان نفوذ و سلطه نخواهند داشت. چه اینکه در این زمینه می‌فرماید: «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (آل عمران، ۱۳۹)؛ و سست نشوید! و غمگین نگردید! و شما برترید اگر ایمان داشته باشید. در این آیه برتری و بلند مرتبه بودن مسلمانان مشروط به تعهدات دینی و باورمندی آنان است. با نظر به آنچه گفته شد، روشن گردید که نفی سبیل از جمله اصول تعامل امام(ره) با مخالفان بوده و همواره بر آن تأکید داشته است. پس از ارائه اصول عام در تعاملات امام(ره) با دیگران، به دلیل سهولت کار و فهم بهتر مطالب مخالفان امام(ره) به سه گروه سیاسی، مذهبی و دینی تقسیم می‌شود که هر کدام حاوی گروه‌های کوچکتر است و به صورت اختصار به تعامل امام(ره) در این موارد اشاره می‌گردد.

یک) تعامل با مخالفان سیاسی

یکی از تعاملات مهم امام خمینی(ره) تعامل درست ایشان با مخالفان سیاسی داخل کشور بود که نتیجه آن به استقرار و استحکام درونی نظام جمهوری اسلامی منتهی شد. اگر در آغاز انقلاب تعاملات سنجیده و منطقی امام(ره) با گروه‌های مخالف سیاسی در داخل کشور نبود، امکان بروز چالش‌های جدی در استقرار نظام وجود داشت. اما برخوردها و موضع‌گیری‌های خردمندان امام(ره) جلو مشکلات داخلی را گرفت و کاروان انقلاب را به سرمنزل رسانید. مخالفان سیاسی داخلی به گروه‌هایی قابل تقسیم است که برخی علما نیز از مخالفان سیاسی امام(ره) بوده‌اند. دو گروه افراط‌گرا و متحجران نیز بودند که با امام ره به مخالفت پرداختند و سیاست‌های آن حضرت را قبول نداشتند. اما تعامل امام(ره) با هر کدام از این گروه‌ها براساس اصول پیش‌گفته همراه با احترام و تکریم بود.

الف) عالمان مخالف

تعداد اندکی از عالمان حوزه‌های علمیه با سیاست‌های امام(ره) همراهی نکردند و در حقیقت انقلاب اسلامی را برنتافتند. تعامل امام(ره) با آنها به لحاظ سیاسی-اجتماعی مهم و برای سیاست‌مداران کنونی قابل تأسی و رهگشا است. سید کاظم شریعتمداری از جمله روحانیون سرشناس کشور بود که در اوائل پیروزی انقلاب با سیاست‌های امام(ره) مخالفت کرد و در شهر قم رفتارهای مخالفت‌آمیز از خود نشان داد. زمانی که حضرت امام(ره) در پاریس بود و آقای اشراقی قصد رفتن به پاریس را داشت، آیت‌الله شریعتمداری به او گفتند: آیا می‌توانید امام(ره) را از گفتن جمله «شاه باید برود منصرف کنید» (جعفریان، ۱۳۸۳، ص. ۱۳۸) این درخواست بیانگر مخالفت شریعتمداری با نهضت و انقلاب امام خمینی(ره) است که قبل از پیروزی انقلاب از خود بروز داد و راضی به سقوط شاه نبود.

احمدعلی مسعود انصاری در خاطراتش به ارتباطات خود با آقای شریعتمداری اشاره می‌کند که در زمان اوج‌گیری حرکت انقلابی مردم در سال‌های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ به منظور کنترل این حرکت‌ها مخالفت‌هایی از خود نشان داد. این اشارات به خوبی ماهیت ارتباط آقای شریعتمداری با دربار را بازگو می‌نماید: «پس از هرج و مرجی که در زمان دولت شریف‌امامی پیش آمد گفت به شاه بگویید باید محکم گرفت و با انقلابیون مقابله کرد(انصاری، ۱۳۸۴، ص. ۱۴۷). ایشان خواستار اصلاحات، اما نه از طریق انقلاب و برهم خوردن نظام، بلکه در آرامش و به دست خود

نظام بودند. می‌شود گفت که بین شاه و شریعتمداری تفاهمی به وجود آمده بود. در این زمینه فرح دیبا نیز در خاطرات خود می‌نویسد: «آیت‌الله شریعتمداری در نگرانی‌های همسرم شریک بود. او تعصب خمینی را نمی‌پذیرفت و پیام‌هایی برای پادشاه می‌فرستاد و با ذکر نام روحانیون افراطی تقاضای دستگیریشان را می‌کرد. او معتقد بود که تظاهرات با ساکت کردن این افراد به پایان خواهد رسید. من این فهرست را دیده بودم» (دیارابی‌تا، ص. ۲۷۱).

در مقابل، تعامل امام(ره) با شریعتمداری براساس اصول اخلاقی پیش گفته همراه با احترام و تکریم بود و هیچ‌گاه راضی به آسیب رسیدن به شخصیت وی نبود. مرحوم محمد تقی فلسفی در خاطرات خود می‌نویسد: امام خمینی (ره) روزی مرا خواست. خدمت ایشان رسیدم. تنها بودند. در مورد حزب جمهوری خلق مسلمان گفتگو نمودند. از من خواستند نزد آیت‌الله شریعتمداری بروم و به صورت خصوصی از قول امام خمینی (ره) به او بگویم که دست از حمایت این حزب ضد انقلاب بردارید. همان موقع حرکت کردم و پیام امام را به او رساندم. شریعتمداری در جواب گفت: من همه جا علناً از این حزب حمایت کردم و اگر بگویم به این حزب بستگی ندارم، اعتبار و حیثیت من از بین می‌رود. فلسفی از جانب امام(ره) قول می‌دهد که حیثیت شریعتمداری حفظ و جبران شود. حتی قرار شد مجلسی در مسجد اعظم قم برگزار شود و رادیو و تلویزیون هم پوشش خبری بدهند. در این مجلس آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی، گلپایگانی و امام حضور به هم رسانند و آقای فلسفی منبر برود و از خدمات و فداکاری‌های آیت‌الله شریعتمداری در راه انقلاب تجلیل گردد و به این ترتیب اعتبار شریعتمداری در جریان کناره‌گیری از حزب خلق مسلمان صدمه نبیند. با این حال، شریعتمداری حاضر نمی‌شود دست از حمایت خود از حزب ضد انقلابی جمهوری خلق مسلمان بردارد (فلسفی، ۱۳۸۲، صص. ۳۹۹-۳۹۶).

این تعامل امام(ره) با شریعتمداری اوج رأفت و رحمت اسلامی ایشان را نشان می‌دهد. فرستادن قاصد خصوصی از علمای به نام کشور و دعوت از شریعتمداری به کناره‌گیری از حمایت حزب ضد انقلاب که بیشترین آسیب را به نظام و انقلاب وارد کرد، گواه بر تعهد امام(ره) به اصول تعامل با مخالفان است که حتی حاضر به شخصیت دهی به وی شد. اما خود شریعتمداری به دلیل گرایشهای مختلف سیاسی و اجتماعی زمینه استفاده از رحمت پیامبر گونه امام(ره) را از بین برد. شاید عوامل داخلی و خارجی مانع شد و نگذاشت شریعتمداری از

تعامل سازنده امام ره در جهت بازسازی شخصیت خود استفاده نماید. در نتیجه بر خلاف میل امام(ره) سرانجام ناخوشایندی نصیب شریعتمدار شد که شایسته وی نبود.

یکی دیگر از عالمان مخالف امام ره، آقای منتظری بود که سال‌ها بعد از پیروزی انقلاب این قضیه اتفاق افتاد. علی‌رغم تلاشهای امام(ره) برای پیش‌گیری از چنین حادثه‌ای، مخالفت‌های آقای منتظری با امام(ره) و نظام هر روز بیشتر شد. این فرایند نخست به اعدام یکی از منسوبین دفتر ایشان، سید مهدی هاشمی، منجر شد. ادامه این روند سرانجام به برکناری آقای منتظری از قائم مقام رهبری منتهی و امام خمینی(ره) در حکمی وی را از سمت قائم مقامی عزل کرد.

امام خمینی(ره) در نامه‌ای خطاب به آیت الله منتظری فرمود: «جناب آقای منتظری! با دلی پر خون و قلبی شکسته چند کلمه‌ای برایتان می‌نویسم تا مردم روزی در جریان امر قرار گیرند. شما در نامه اخیرتان نوشته‌اید که نظر تو را شرعاً بر نظر خود مقدم می‌دانم؛ خدا را در نظر می‌گیرم و مسائلی را گوشزد می‌کنم. از آنجا که روشن شده است که شما این کشور و انقلاب اسلامی عزیز مردم مسلمان ایران را پس از من به دست لیبرالها و از کانال آنها به منافقین می‌سپارید، صلاحیت و مشروعیت رهبری آینده نظام را از دست داده‌اید» (صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۳۱).

تعامل امام ره با آقای منتظری در نهایت تکریم و احترام به شخصیت او بوده و برای اصلاح رفتار وی از روش‌های مختلف استفاده کرده است. استفاده از شخصیت‌های معروف علمی و حوزوی، و ارسال نامه‌های متعدد و راهنمایی‌های مفید از جمله شیوه‌های به کار رفته در تعامل امام(ره) با آقای منتظری بوده است؛ ولی متأسفانه هیچ کدام مؤثر واقع نشده است. سرانجام همان گونه که از متن نامه امام(ره) بر می‌آید، با نهایت رنج و ناراحتی عدم صلاحیت وی را برای تصدی رهبری جامعه اسلامی به مردم اعلام می‌دارد. در همه این برخوردها امام خمینی(ره) متعهد به اصول تعامل بوده و نهایت احترام و تعظیم را نسبت به عالمان مخالف رعایت داشته است.

ب) متحجران مخالف

متحجران گروه دیگر از مخالفان امام(ره) بودند که در طول حیات سیاسی-اجتماعی به لحاظ روحی و روانی ایشان را آزار دادند. کلمه «تحجر» از واژه «حجر» به معنای سنگ گرفته شده و در فارسی معادل سنگوارگی به کار رفته است. امروزه تحجر هم‌معنا با مفاهیمی همچون

تعصب، تنگ‌نظری، خشکه مقدسی، قشری‌گری و مانند آن به کار می‌رود. تحجر در مقابل عقلانیت و منطق‌گرایی و پافشاری بدون دلیل بر یک عقیده یا فعل و همچنین بستن هر گونه راه استدلال و تفکر به روی سخن مخالف اطلاق می‌شود. چنان که گروه‌های متحجر موجود در جوامع اسلامی از این ویژگی برخوردارند که بدون دلیل و منطق فقط اندیشه خود را حق تلقی می‌کنند و اندیشه‌های مخالف را بر نمی‌تابند. گروه‌های تکفیری نمونه عینی از تحجر‌گرایی در جهان اسلام است که همه پیروان مذاهب اسلامی را تفسیق و تکفیر نموده تنها خود را مسلمان می‌پندارند.

تحجر‌گرایی به لحاظ پیشینه تاریخی به صدر اسلام و به‌ویژه دوره خلافت علی بن ابی‌طالب (ع) بر می‌گردد. این تفکر در طول تاریخ اسلام وجود داشته و تا امروز در عرصه‌های سیاسی-اجتماعی جایگاه خود را حفظ کرده است. آنچه در این مقاله اهمیت دارد، برخورد امام (ره) با گروه متحجر است که با وجود رنج کشیدن از آنها، همواره با رأفت و رحمت با آنان تعامل داشته است. انجمن حجتیه از جمله گروه‌های متحجر در عصر مبارزات امام راحل (ره) بودند که رنج فراوان به آن حضرت دادند. چنانکه امام (ره) در این زمینه می‌گوید: «خون دلی که پدر پیرتان از این دسته متحجر خورده است هرگز از فشارها و سختی‌های دیگران نخورده است» (شایدانیان، ۱۳۸۶، ص. ۱۲). «دیگران» در کلام امام (ره) همه مخالفان او حتی دستگاه حاکمه طاغوت و امریکا را شامل است و به فرموده ایشان اذیت و آزار گروه حجتیه از شکنجه جسمی و روحی آنها هم فزون‌تر و بدتر بوده است.

اما برعکس امام (ره) در برخورد با متحجران که بعضی افراد آن در درون حوزه‌های علمیه نیز حضور داشتند، بسیار حکیمانه و مهربانانه بود و تا زمانی که مخالفت آنها علنی نشده بود از امکانات حوزه هم بهره‌مند بودند (همان). در عین حال امام (ره) از فعالیت‌های تخریبی گروه حجتیه غافل نبود و به طالع اعلام خطر کرده و می‌فرمود: «خطر تحجر‌گرایان و مقدس نمایان احمق در حوزه‌های علمیه کم نیست. طلاب عزیز لحظه‌ای از فکر این مارهای خوش خط و خال کوتاهی نکنند. این‌ها مروج اسلام آمریکایی‌اند و دشمن رسول الله» (صحیفه امام، ج ۲۱، ص. ۱۷۱). امام (ره) در زمینه کارهای نادرست متحجران می‌گوید: «ما همه دیدیم قرآنی را که محمد رضا پهلوی طبع کرد و عده‌ای را اغفال کرد و بعضی آخوندهای بی‌خبر از مقاصد اسلامی هم مداح او بودند» (همان). آنچه مهم است برخورد حکیمانه و همراه با اخلاق

اسلامی حضرت امام(ره) با گروه‌های متحجر است که در سیره عملی آن بزرگوار به خوبی قابل مشاهده است. امام(ره) با درایت و تدبیر خاص مدیریت حوزه‌های علمیه و جامعه اسلامی در قبال خطرات گروه‌های متحجر به مراجع و علمای بزرگ واگذار کرده می‌فرماید: «و از همه لازم‌تر حوزه‌های علمیه است که تنظیم و تصفیه آن به مدرسین محترم و افاضل سابقه دار است با تأیید مراجع وقت و شاید تزِ نظم در بی‌نظمی است، از القائات شوم همین نقشه ریزان و توطئه‌گران {متحجر} باشد(همان، ص. ۱۸۹).

ج) گروهک‌های مخالف

انقلاب اسلامی از آغاز با گروهک‌های مخالف مواجه بود که هر کدام به نفع اربابان خود از شرق و غرب فعالیت می‌کردند. این گروهک‌ها در ابتدای انقلاب به خاطر منافع خود تا حدودی با انقلاب همراه بودند و زیر پرچم انقلاب راه می‌رفتند. چراکه آنها بدون همراهی با انقلاب قدرت مخالفت با رژیم پهلوی را نداشتند. حتی بعد از پیروزی انقلاب گروه‌هایی همانند نهضت آزادی در پست‌های مهم دست یافته بودند و سهم در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اداری داشتند. اما به تدریج ماهیت خود را در ارتباط با نظام اسلامی آشکار و با امام(ره) و انقلاب به مخالفت برخاستند. این گروهک‌ها متعدد بودند و هر یک وابسته به بیرون مرزها از بیگانگان فرمان می‌گرفتند.

حزب کومله، حزب خلق مسلمان، حزب دمکرات کردستان، حزب فرقان، دفتر هماهنگی بنی‌صدر و... از گروهک‌های مخالف انقلاب بودند که همراه با منافقان آسیب‌های فراوانی به ملت و انقلاب وارد کردند. جنایات هولناکی از ناحیه این گروه‌ها به انقلاب و ایران وارد شد که ترور شخصیت‌ها از جمله آن بود و بیشترین آسیب را از این جهت به انقلاب و نظام اسلامی وارد کردند. سرمایه‌های عظیم انقلاب مانند شهید بهشتی و رجایی را از نظام اسلامی گرفتند و جامعه را از نعمت وجود آنها محروم ساختند. همراهی با دشمنان انقلاب و دادن اطلاعات نظامی و آشکار کردن برنامه‌های سری نظام برای بیگانگان از دیگر فعالیت‌های تخریبی گروهک‌های مخالف بودند که ضررهای فراوانی به نظام وارد کردند. خلاصه این گروهک‌ها هر اندازه توان داشتند در مقابله با انقلاب و امام(ره) فروگذار نکردند(شیدائیان، همان).

تعامل امام(ره) با این گروهک‌ها متناسب با رفتار آنها بوده و در حقیقت نوع برخورد امام ره را چگونگی فعالیت گروهک‌ها تعیین می‌کرد. امام(ره) تا زمانی که گروهک‌ها دست به فعالیت

تخریبی زدند و کار خرابکارانه انجام ندادند، هیچ گروهی را مورد مجازات قرار نداد و اگر حکم به مقابله یا تضعیف و از بین بردن آنها داده است بعد از مخالفت علنی و مسلحانه گروهک‌ها بوده است. چنان که امام(ره) گروه نهضت آزادی را بعد از مخالفت‌های علنی اعضای آن از فعالیت‌های سیاسی کنار گذاشت. امام(ره) در این مورد فرمود: «نتیجه آن که نهضت به اصطلاح آزادی و افراد {آن}، چون موجب گمراهی بسیاری از کسانی که بی اطلاع از مقاصد شوم آنان هستند، می‌گردند، باید با آنها برخورد قاطعانه شود و نباید رسمیت داشته باشند» (صحیفه امام، ج ۲۲، ص ۳۸۴). به طور کل امام(ره) در مقابله با توطئه‌های گروهک‌های مخالف نظام فرمود: «باید در همه منابر به این جوان‌هایی که گول خورده‌اند از این منافقین و امثال آنها نصیحت بشود، دعوت به حق بشود، باید آنها را فهماند به ایشان که اینهایی که شما را دعوت می‌کنند که به ضد جمهوری اسلامی قیام کنید، اینها با اسلام بد هستند، با اسم اسلام می‌خواهند اسلام را از بین ببرند. اینها یک روز با مقاصد اسلامی همراه نبوده‌اند، اینها نهج البلاغه و قرآن را اسباب دست قرار دادند برای این که نهج البلاغه و قرآن را از بین ببرند و آیین جوان‌های بی‌اطلاع، این پسرهای بی‌اطلاع، دستخوش این تبلیغات سو اینها شده‌اند و در مقابل ملت ایستاده‌اند.» (همان، ج ۱۵، ص ۲۰۱) به هر صورت، با وجود فعالیت‌های شدید تخریبی گروهک‌های مخالف، به تعامل امام(ره) با آنها براساس اصول اسلامی و اخلاق اجتماعی بود و ایشان هیچ‌گاه در برخورد با آنان از قوانین دینی و منطقی خارج نشد. عدالت اسلامی، مدارا، تکریم و حق محوری همیشه مدنظر امام(ره) بود و آن را رعایت می‌کرد.

د) مخالفان مذهبی

مخالفان مذهبی به کسانی اطلاق می‌شود که پیرو مذاهب اسلامی غیر از مذهب جعفری هستند و عنوان اهل سنت همه آنها را فرا می‌گیرد. تعامل امام(ره) با اهل سنت همواره با رعایت اخلاق و احترام به طرف مقابل بود. محور اصلی رفتار آن حضرت در جهان اسلام وحدت با اهل سنت بود که هم خود به آن متعهد بود و هم دیگران را به رفتار وحدت‌گرایانه با مسلمانان سفارش می‌کرد. این روش در همه گفتار و رفتار امام(ره) وجود دارد و هیچ وقت بر خلاف آن از سیره ایشان مشاهده نشده است. امام(ره) در بیان وحدت بخش خطاب به همه مردم می‌فرماید: «من به همه ملت توصیه می‌کنم که در هر جا هستی آرامش خودتان را حفظ کنید و گوش به توطئه‌هایی که در دست اجرا هست، گاهی به اسم تشیع و تسنن که بعضی شیاطین که به

اسلام هم عقیده ندارند، با این اسم‌ها می‌خواهند تفرقه بیندازند و گاهی به اسم ترک و فارس اشخاصی که به ملت ایران اعتقادی ندارند و جز برای بهره برداری خودشان قدمی بر نمی‌دارند، می‌خواهند اختلاف ایجاد کنند و با بهانه اسلام، جمهوری اسلامی را بکوبند» (همان، ج ۱۴، ص ۱۸۹).

تعامل امام (ره) با اهل سنت مبتنی بر اخوت اسلامی، رأفت و رحمت دینی بود، نه ملی‌گرایی یا نژاد و زبان و جغرافیا و بر همین اساس تأثیر معنوی خاصی در میان مسلمانان جهان گذاشت؛ به نحوی که همه فرقه‌های اسلامی تحت تأثیر شخصیت و سیره ایشان قرار گرفتند. علما و دانشمندان، سیاست‌مداران، انقلابیون، مذهب‌یون و توده‌های مسلمان در سراسر جهان همه مجذوب امام (ره) شدند و نسبت به شخصیت ایشان ابراز علاقه می‌کردند. حضور شخصیت‌های علمی و سیاسی جهان اسلام در مراسم ویژه مانند هفته وحدت و پیروزی جمهوری اسلامی در ایران و تشریف خدمت امام (ره) در جماران گواه بر این ارادتمندی است.

تعامل امام (ره) با اهل سنت در طول حیات سیاسی-اجتماعی همواره با مهر و محبت و مبتنی بر اخوت اسلامی بود و در واقع معمار بزرگ وحدت میان مسلمانان در جهان معاصر حضرت امام ره به شمار است. امام (ره) درباره وحدت مسلمانان می‌فرماید: «ما نباید با هم اختلاف و یا یک تضادی داشته باشیم، ما همه با هم برادریم. برادران شیعه و سنی باید از هر اختلافی احتراز کنند. امروز اختلاف بین ما، تنها به نفع آنهاست که نه به مذهب شیعه اعتقاد دارند و نه به مذهب حنفی و یا سایر فرق، آنها می‌خواهند نه این باشد نه آن، راه را این طور می‌دانند که بین شما و ما اختلاف بیندازند. ما باید توجه به این معنا بکنیم که همه ما مسلمان هستیم و همه ما اهل قرآن و اهل توحید هستیم، و باید برای قرآن و توحید زحمت بکشیم و خدمت بکنیم» (همان، ج ۱۳، ص ۵۵).

اما بر خورد امام (ره) با تندروان و گروه‌های افراطی از اهل سنت مانند وهابیت متفاوت از رفتار ایشان با عموم اهل سنت بوده است. چراکه عمل کرد این گروه و دیگر گروه‌های تکفیری همراه با تندوی و تفسیق نسبت به پیروان مذهب جعفری بوده که زمینه تعامل سخت‌گیرانه امام (ره) را فراهم آورده است. امام (ره) در ارتباط با آل سعود و جنایات آنها در کشتار زائران خانه خدا می‌فرماید: «اگر ما از مسئله قدس بگذریم، اگر ما از صدام بگذریم، اگر ما از همه کسانی که به ما بدی کردند بگذریم، نمی‌توانیم [از] مسئله حجاز بگذریم» (همان، ج ۲۰، ص ۳۶۹). این برخورد

امام ره با وهابیت و به‌ویژه آل سعود نتیجه عمل کرد نادرست آنها در مورد رفتار ظالمانه با حجاج بیت الله الحرام است که در سال ۱۳۶۷ در سرزمین وحی مرتکب شدند. در سخنان امام (ره) آمده است: «کعبه را همه ملل محترم می‌شمرند؛ همه مللی که به دین [اعتقاد] دارند. کعبه، کعبه‌ای است که از زمان اول خلقت بوده است و همه انبیا در او خدمت‌گزار بوده‌اند. شکستن کعبه مسئله‌ای نیست که بشود از ش همین طوری گذشت» (همان، ج ۲۰، ص ۳۶۹).

در نتیجه تعامل امام (ره) با مخالفان مذهب بر اساس اصول اخلاق، رأفت و رحمت بوده، مگر اینکه رفتار ظالمانه‌ای از ناحیه آنها نسبت به مسلمانان بروز کرده باشد. امام (ره) همه مسلمانان به مثابه فرزندان خود عزیز و محترم می‌دانستند و در رفع مشکلات آنان تلاش می‌کردند. اصولاً نگاه امام (ره) به مسلمانان نگاه دینی و اسلامی بود، نه نگاه مذهبی در چاقوب خاص. از این رو در گفتار و رفتار همه مسلمانان، اعم از شیعه و سنی را مورد مهر و محبت و راهنمایی قرار می‌داد. با این حال، تعامل امام (ره) بر اساس رفتار غیر منطقی و ستمگرانه گروه‌های تندرو مانند وهابیت سخت‌گیرانه بود.

ه) مخالفان دینی

منظور از مخالفان دینی کسانی هستند که مخالفت فکری و به تبع آن ناسازگاری رفتاری با امام خمینی (ره) داشتند و خط‌مشی آن حضرت را پذیرا نبودند. این مخالفان به گروه‌های گوناگون قابل تقسیم است که عمده‌ترین آنها در سطح بین‌الملل جبهه استکبار و در داخل کشور قبل از پیروزی انقلاب دستگاه حکومت پهلوی و بعد از پیروزی گروه‌های وابسته به استکبار، مخالفان دینی و سیاسی امام (ره) بوده‌اند. موضع‌گیری این مخالفان و رفتار آنها در برابر امام (ره) و انقلاب همواره با خشونت و قتل و غارت توأم بوده و ضررهای فراوانی را متوجه مردم و نظام اسلامی کرده‌اند. شاه با تمام توان و با استفاده از کمک‌های غرب به سرکوب مردم پرداختند و در این زمینه از هیچ جنایتی فروگذار نکردند. گروه‌های مخالف چنانکه پیش از این گفته شد، آسیب‌های فراوانی به نظام وارد ساختند. جبهه استکبار و در رأس همه آمریکا از ابتدا با امام (ره)، انقلاب و نظام اسلامی مخالف بود و این مخالفت تا امروز ادامه دارد و در این زمینه از هیچ ترفند و تلاشی دریغ نکرده است.

تعامل امام (ره) با این مخالفان مبتنی بر عمل کرد آنها بوده و در هر زمان متناسب با رفتار مخالفان داخلی و خارجی عکس‌العمل منطقی از خود نشان داد. در همه برخوردها، عدالت و

اخلاق مبنای تعاملات سیاسی حضرت امام(ره) بوده است. ولی امام(ره) درمقابل زورگویی و ستمگری گروه‌ها و استکبار جهانی هیچ‌گاه کوتاه نیامد. ایشان در تعامل با گروهک‌های داخلی می‌فرماید: «آنهایی که می‌گویند ما ملیت را می‌خواهیم احیا نکنیم، آنها مقابل اسلام ایستاده‌اند. اسلام آمده است که این حرف‌های نامربوط را از بین ببرد. افراد ملی به درد ما نمی‌خورند. افراد مسلم به درد ما می‌خورند. اسلام با ملیت مخالف است. معنی ملیت این است ما ملت را می‌خواهیم و ملیت را می‌خواهیم و اسلام را نمی‌خواهیم» (همان، ج ۲، ص ۲۷۵).

تعامل امام(ره) با جبهه استکبار به دلیل ظلم و جنایت و توطئه و پیمان شکنی آنها، همیشه براساس مقابله به مثل استوار بوده و زیربار فریب و نیرنگ این جبهه نرفته است. امام(ره) در زمینه تعامل با غرب که در جهان معاصر جبهه استکبار را تشکیل می‌دهد، می‌فرماید: «شما گمان نکنید که از غرب برای ما یک تحفه‌ای می‌آورند. شما گمان نکنید که از غرب برای ما چیزی می‌آورند که ما را مترقی کنند، ترقی به ما بدهند. غرب تا ما را در سطح پایین نگه ندارد، نمی‌تواند از ما استفاده کند. کوشش آنها این است که ما را، این ممالک اسلامی، این ممالک مستضعف در یک سطح پایینی از همه امور باشیم. هر امری را که آنها برای ما بیاورند، یک امر استعماری است. یعنی اگر طب را برای ما بیاورند، طب استعماری است، اگر دارو برای ما صادر کنند آن هم استعماری است، اگر دانشگاه برای ما بخواهند درست کنند آن هم دانشگاه استعماری است. همه چیز را آنها می‌خواهند به طوری درست کنند که برای خودشان نافع باشد و ما چشم و گوش بسته تسلیم آنها باشیم و الآن که به خواست خدای تبارک و به برکت اسلام ما از این قید و بند خارج شدیم، باید خیلی متوجه باشیم به این که مبدا ما را دوباره در این قید و بندها قرار بدهند» (همان، ج ۱۴، ص ۱۸۴).

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

پس از بیان کلیات و تبیین مفاهیم کلیدی، پنج اصل مهم اخلاقی در تعامل حضرت امام(ره) با مخالفان که در همه تعاملات ایشان مبنای رفتارهای اجتماعی ایشان بود، ذکر شد. همچنین تعامل امام(ره) با مخالفان در طول مبارزات تا پیروزی انقلاب اسلامی در قالب پنج گروه به صورت اجمال مورد اشاره قرار گرفت و رفتار آن حضرت با هر یک از آنها با استناد به سخنان ایشان ذکر شد. در مجموع روشن گردید که سیره عملی امام(ره) با مخالفان همواره براساس احترام و تکریم طرف مقابل بوده و هیچ‌گونه توهین و تحقیر مخاطب در تعاملات ایشان وجود

نداشته است. از آنچه ذکر شد به این نتیجه رهنمون می‌شویم که تعامل امام(ره) با مخالفان معتدل، منطقی و پیرو عقل و خرد، همیشه مثبت بوده و در جهت هدایت و راهنمایی آنها تلاش کرده است. همان گونه که رسول الله الاعظم(ص) دارای خلق عظیم(قلم، ۵) و رفتار مهربانانه و هدایتگرانه بود،(آل عمران، ۱۵۹) امام خمینی(ره) نیز با سعه صدر و حلم و مدارا با مخالفان برخورد می‌کرد.

تعامل امام(ره) با گروه‌های افراطی و تندرو متفاوت از رفتار ایشان با گروه میانه‌رو بود. این گروه‌ها با هر اندیشه و سلیقه‌ای مورد خشم و غضب حضرت امام(ره) بودند و به همین دلیل دستور به مقابله با آنها می‌داد. چنانکه پیامبر اسلام(ص) با آن همه رحمت و مهربانی برخی از گروه‌های افراطی قوم یهود (بنی قنقاع) را شبانه محاصره و مغلوب ساخت(امین، ۱۳۷۳، ص. ۱۲۹). تعامل امام(ره) در برابر گروه‌های مخالف، اعم از معتدل و افراطی، متناسب با موضع‌گیری‌ها، نحوه رفتار آنها با مسلمانان و برنامه‌های کوتاه مدت و بلند مدت مخالفان شکل می‌گرفت. همان گونه که سیره عملی امام(ره) با مخالفان در طول انقلاب نشان‌دهنده این امر است و نمونه‌هایی از آن در لابلای مطالب ذکر شد.

آنچه در شرایط امروز مهم است، الگوگیری و تأسی به سیره عملی و تعامل حضرت امام(ره) با مخالفان است و اینکه حاکمان کنونی و سیاست‌مداران جمهوری اسلامی همانند ایشان در تعامل با مخالفان خود برخورد نمایند. چراکه سیره امام(ره) همانند چراغ هدایت‌گر راهنمایی زمامداران نظام اسلامی و رهگشاه در مشکلات سیاسی - اجتماعی و مدیریت جامعه است. برخورد سالم و منطقی و دوری از توهین و تحقیر و همچنین پرهیز از اتهام و برچسب زنی راه حل بسیاری از معضلات فعلی در نظام جمهوری اسلامی است.

فهرست منابع

- قرآن کریم، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی.
- ۱. نهج البلاغه (۱۳۷۸). ترجمه محمد دشتی، قم: مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین (ع).
- ۲. آذرتوش، آذر نوش (۱۳۷۹). فرهنگ معاصر، تهران: نشر نی.
- ۳. مسعود انصاری، احمد علی (۱۳۸۴). سرنوشت خاندان پهلوی در دوران آوارگی پس از سقوط، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی
- ۴. ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ق). معجم مقاییس اللغة، تحقیق: عبد السلام محمد هارون، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- ۵. امام خمینی (ره)، روح الله (بی تا). جهاد اکبر، ولایت فقیه و جهاد اکبر، بی جا.
- ۶. امام خمینی (ره)، روح الله (۱۳۷۰). صحیفه امام، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۷. امین، سیدمحمسن (۱۳۷۳). سیره معصومان (ع)، ترجمه علی حجتی کرمانی، تهران: سروش.
- ۸. ایازی، محمدعلی (۱۳۸۸). تفسیر قرآن مجید برگرفته از آثار امام خمینی (ره)، تهران: موسسه نشر آثار امام خمینی (ره).
- ۹. باقری، خسرو (۱۳۸۴). نگاه دوباره به تربیت اسلامی، تهران، مدرسه.
- ۱۰. بشیریه، حسین (۱۳۷۶). تاریخ اندیشه سیاسی در قرن بیستم، تهران: نشر نی.
- ۱۱. جعفریان، رسول (۱۳۸۳). جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی سیاسی ایران، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ۱۲. جمشیدی، محمدحسین (۱۳۸۸). اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)، تهران: پژوهشکده امام خمینی (ره).
- ۱۳. حسینی، مریم السادات (۱۳۹۲). اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)، تهران: مؤسسه فرهنگی هنری و انتشارات.
- ۱۴. شیدائیان، حسین (۱۳۸۶). جریان‌های سیاسی از نگاه امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله) نشریه حصون، شماره ۱۴.
- ۱۵. دهخدا، علی اکبر (۱۳۳۸). لغت‌نامه دهخدا، تهران: سیروس.
- ۱۶. دیارا، کهن (بی تا). فرح دیبا، پاریس، ۲۰۰۴، تهران: انتشارات فرزاد.
- ۱۷. راغب اصفهانی (۱۴۲۶ق). مفردات الفاظ القرآن، تحقیق صفوان عدنان داوودی، قم: طلیعه نور.
- ۱۸. رجبی، حسین (۱۳۸۸). شیوه‌های تعامل و همزیستی پیروان مذاهب اسلامی، قم: آثار نفیس.
- ۱۹. زبیدی، محمد، (بی تا) تاج العروس من جواهر القاموس، تحقیق: علی شیری، بیروت: دارالفکر.

۲۰. شتر، سید عبدالله (۱۳۸۱). الاخلاق، ترجمه محمدرضا جباران، قم: هجرت.
۲۱. شفیعی، عباس (۱۳۹۱). الگوی رهبری امام خمینی (ره)، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۲۲. طباطبایی، سیدمحمد حسین (بی تا). تفسیر المیزان، سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۳. فلسفی، محمد تقی (۱۳۸۲). خاطرات و مبارزات فلسفی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲۴. القیم، عبد النبی (۱۳۸۱). فرهنگ معاصر عربی فارسی، تهران: فرهنگ معاصر.
۲۵. کلینی، محمد (۱۴۱۳ق). اصول کافی، بیروت: دارالاضواء.
۲۶. مجتمع آموزش عالی امام خمینی (ره) (۱۳۹۰). اندیشه سیاسی و اجتماعی امام خمینی (ره)، مجموعه مقالات.
۲۷. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث.
۲۸. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۰). منتخب میزان الحکمه، قم: دار الحدیث.
۲۹. محمود، پروانه (۱۳۹۰). الگوی جهان گرایی اسلامی در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۳۰. مصطفوی، حسن (۱۳۶۰). التحقیق فی کلمات القرآن، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۳۱. معلم، علی اکبری (۱۳۹۴). اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۳۲. معین، محمد (۱۳۶۰). فرهنگ فارسی، تهران: امیرکبیر.
۳۳. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۷). تفسیر نمونه، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع).
۳۴. موسوی اردبیلی، عبدالغنی (۱۳۸۱). تقریرات فلسفه امام خمینی (ره)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۳۵. یزدی، علی محمد (۱۳۹۳). سیره پیامبر (ص) در برابر مخالفان از زبان قرآن، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.